

بررسی و مطالعه سفال‌های دوره ایلخانی به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی ارزانفود

محمد ابراهیم زارعی*

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

علی خاکسار

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان

عباس مترجم

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا

فرهاد امینی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

اعظم دینی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

(از ص ۷۳ تا ۹۰)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۰۲؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۰۳/۳۱

چکیده

با وجود مطالعات و کاوش‌هایی که در محوطه‌های دوره اسلامی صورت گرفته و به وسیله آن تا اندازه‌ای وضعیت سفالگری ایران دوره اسلامی مشخص شده است، هنوز ابهامات فراوانی در این زمینه، به‌ویژه درباره مراکز سفالگری و تفاوت‌های سبک‌شناسی بین آنها وجود دارد. در این بین، کاوش‌های باستان‌شناسی همراه با مطالعات دقیق داده‌ها می‌تواند تا حد زیادی به حل مسئله کمک نماید. در این مقاله سفال‌های ایلخانی حاصل از سه فصل کاوش باستان‌شناسی در محوطه ارزانفود، با فرض تولید آنها در همدان مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است. از نکات مهم این پژوهش آن است که وضعیت برخی از سفال‌های دوره ایلخانی در همدان مانند فیروزه قلم مشکی و سفالینه‌های معروف به سبک سلطان‌آباد، از نظر سبک‌شناسی و مکان ساخت، تا حدود زیادی مشخص شد. با توجه به پژوهش‌هایی که در این خصوص صورت پذیرفت، همدان به عنوان یکی دیگر از مراکز ساخت سفالینه‌های فیروزه قلم مشکی، سلطان‌آباد و چندرنگ زیر لعاب شناخته شده و علاوه بر آن چند نمونه سفال لعاب‌دار جدید مربوط به دوره ایلخانی نیز برای نخستین بار شناسایی شد و مورد مطالعه قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: ارزانفود، فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های سلطان‌آباد، سفال‌های ایلخانی

۱. مقدمه

دوره اسلامی یکی از دوره‌های درخشان سفالگری در ایران است. اگرچه در راستای شناخت سفالگری این دوره تاکنون مطالعات فراوانی صورت گرفته است، هنوز ابهامات فراوانی در این زمینه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به مشخص نبودن کامل مراکز ساخت غالب سفال‌های این دوره مانند سفال‌های سبک سلطان‌آباد، فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های معروف به چندرنگ زیر لعاب، زرین‌فام و... میزان تأثیرپذیری مراکز سفالگری از یکدیگر، ابهامات درباره تاریخ رواج برخی گونه‌های سفالی و وضعیت نامشخص سفالگری در برخی از مناطق اشاره نمود. از جمله نواحی‌ای که تاکنون مطالعات دقیقی در آن صورت نگرفته و وضعیت سفالگری آن به ویژه در دوره اسلامی مشخص نیست، همدان است. در طی سه فصل کاوش باستان‌شناسی در محوطه زیرزمینی ارزانفود، تعدادی سفال شاخص لعاب‌دار اسلامی، غالباً متعلق به دوره ایلخانی به دست آمد، که برای نخستین بار فرصتی برای مطالعه وضعیت سفالگری منطقه همدان در این دوره فراهم شد. در راستای مطالعه سفال‌های حاصل از کاوش و با توجه به نوع داده‌ها پرسش‌هایی بدین شرح مطرح است:

۱. سفال‌های فیروزه قلم مشکی به دست آمده از ارزانفود وارداتی بوده، یا در همدان تولید شده‌اند؟
۲. بین سفال‌های سبک سلطان‌آباد حاصل از کاوش‌های ارزانفود و مناطق دیگر چه میزان مشابهت وجود دارد؟ آیا می‌توان همدان را به عنوان یکی از مراکز تولید سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد معرفی نمود؟
۳. سفالینه‌های موسوم به چندرنگ زیرلعاب علاوه بر مناطق یاد شده‌ای مانند ری، سلطان‌آباد، ساوه و... در همدان نیز تولید می‌شده است؟

در راستای پرسش‌های مذکور فرضیات ذیل را می‌توان بیان نمود:

۱. به نظر می‌رسد که سفالینه فیروزه قلم مشکی به دست آمده از ارزانفود در همدان تولید شده‌اند.
۲. از لحاظ سبکی و تکنیکی بین سفال‌های سبک سلطان‌آباد ارزانفود و مناطق دیگر اگرچه در برخی موارد مشابهت‌هایی وجود دارد، در عین حال در بیشتر نمونه‌ها تفاوت‌هایی مشاهده می‌گردد که با توجه به آن می‌توان همدان را نیز به عنوان یکی از مراکز ساخت این نوع سفال قلمداد نمود.
۳. سفالینه‌های معروف به «چندرنگ زیرلعاب» علاوه بر مناطق یاد شده، به احتمال بسیار زیاد در همدان نیز تولید می‌شده‌اند.

اهمیت این پژوهش در آن است که علاوه بر مشخص شدن وضعیت برخی از سفال‌های لعاب‌دار دروه ایلخانی در همدان مانند فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد و چندرنگ زیرلعاب، چند گونه جدید سفال لعاب‌دار برای نخستین بار کشف گردید که در ادامه به صورت کامل مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار خواهند گرفت.

۲. پیشینه تحقیق

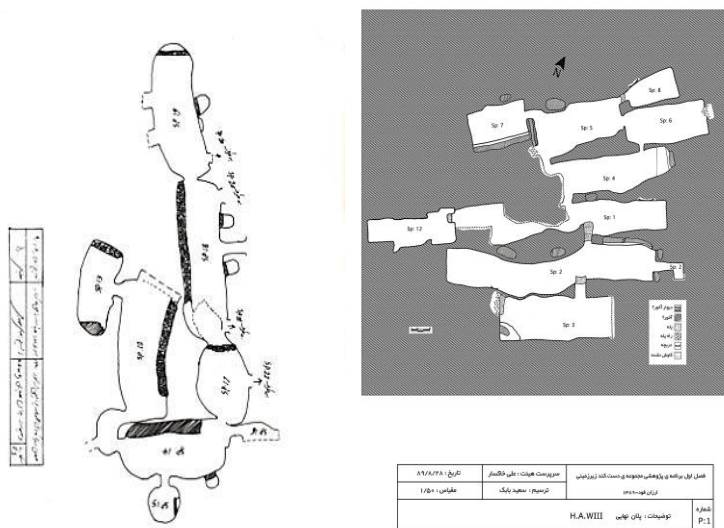
به جز سه فصل کاوش باستان‌شناسی صورت گرفته در بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ به سرپرستی علی خاکسار، پژوهش‌هایی دیگری در این محوطه صورت نگرفته است. البته در خصوص سفالگری اسلامی تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کارهای پوپ، اتینگهاوزن، لین، فهررواری، آلن و راجرز اشاره نمود. (Fehervari, 1973; Ettinghausen, 1936a; Ettinghausen, 1936b; Lane, 1971; 2000; آلن، ۱۳۸۳؛ راجرز، ۱۳۷۴)

۳. روش تحقیق

روش پژوهش در این مقاله مبتنی بر کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعه کتابخانه‌ای و اشیاء موزه‌ای است. به منظور مطالعه صحیح و دقیق‌تر داده‌ها، نقوش سفالینه‌ها از لحاظ سبکی و نوع نقش‌مایه‌ها به صورت کامل با دیگر مراکز تولید سفالگری مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته و در جداولی به صورت جداگانه شرح داده شده است. تعداد سفال‌های شاخص مورد مطالعه در این پژوهش ۳۶ قطعه می‌باشد.

۴. معرفی محوطه

محوطه زیرزمینی ارزانفود، در دو کیلومتری جنوب غرب روستای ارزانفود، در جنوب شرقی شهرستان همدان و در حدود ۲۵ کیلومتری سد اکباتان قرار دارد. این محوطه در سال ۱۳۸۹ حین استحصال سنگ معدن سیلیس به صورت اتفاقی کشف شد. در طی سه فصل کاوش بین سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۱ به سرپرستی علی خاکسار، مجموعه‌ای از فضاهای معماری زیرزمینی دست‌کند که با راهروهایی به هم مرتبط بوده، پاکسازی و مورد کاوش قرار گرفت (نقشه ۱ و ۲). علاوه بر آن، سفال‌هایی از دوره‌های تاریخی و اسلامی به‌دست آمد که بیشتر آنها اسلامی و متعلق به دوره ایلخانی است.



نقشه‌های ۱ و ۲. نمونه فضاهای زیرزمینی به‌دست‌آمده از ارزانفود، سمت راست کاوش سال ۱۳۸۹، سمت چپ کاوش‌های سال ۱۳۹۰.

۵. معرفی سفال‌های به‌دست‌آمده از کاوش

در طی دو فصل کاوش در محوطه زیرزمینی ارزانفود، سفال‌های لعاب‌دار اسلامی شامل فیروزه قلم مشکی، آبی سفید، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد، سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده، سفال‌های معروف به «چندرنگ نقاشی زیر لعاب» سفالینه‌های لعاب تک‌رنگ با کتیبه‌های برجسته زیر لبه، چند پی‌سوز متعلق به قرون میانی اسلامی، سفال اسگرافیتو و نیز تعدادی سفال دوره تاریخی به‌دست آمد که از بین آنها سفال‌های شاخص دوره ایلخانی همچون فیروزه قلم مشکی، سفال‌های سبک سلطان‌آباد، سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده، سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ با نقوش برجسته و سفال‌های معروف به چندرنگ منقوش زیر لعاب، مورد مطالعه قرار گرفت.

پیش از بررسی کلی داده‌های سفالی، در آغاز به منظور درک بهتر، گونه‌شناسی کاملی از سفال‌های دوره ایلخانی ارائه خواهد شد، زیرا این سفال‌ها در منابع گوناگون، به صورت یکجا مشاهده نمی‌شوند و به عبارت دیگر هر منبع تعدادی سفال خاص را مورد معرفی و مطالعه قرار داده است.

۶. سفال‌های دوره ایلخانی

۱. سفالینه‌هایی با تکنیک تزیین نقاشی زیر لعاب: که شامل فیروزه قلم مشکی، آبی سفید، سفالینه‌های معروف به سبک سلطان‌آباد (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۴ و ۶۳) و سفالینه‌های منقوش چندرنگ زیرلعاب که نسبت به گونه‌های دیگر نسبتاً نادر است (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۸۸؛ Hall, 1934, pl 66).

۲. سفالینه‌هایی با تکنیک نقاشی روی لعاب که می‌توان آنها را به سه گروه تقسیم کرد: زرین‌فام، سفالینه‌های معروف به لاجوردی و سفال‌های مینایی (توحیدی، ۱۳۷۸: ۲۷۳).

۳. سفالینه‌های تک‌رنگ که به سه گروه قابل تقسیم هستند: سفالینه‌های تک‌رنگ ساده غالباً به رنگ‌هایی فیروزه‌ای، آبی و لاجوردی (خلیلی، ۱۳۸۴: ۱۶۱)، سفالینه‌های تک‌رنگ با نقوش برجسته و قالبی و سفال‌های موسوم به سلادن (Hetijens Museum, 1973: 172; Fehervari, 1973: 125).

۷. مطالعه داده‌های سفالی به دست آمده از ارزانفود

در طی سه فصل کاوش باستان‌شناسی که بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ شمسی در محوطه ارزانفود انجام گرفت، چند گونه سفالینه شاخص شامل سفالینه‌های چندرنگ زیر لعاب، فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های تک‌رنگ ساده و... یافت شد که در ادامه بحث به معرفی و مطالعه آنها پرداخته خواهد شد.

۸. سفالینه‌های چندرنگ زیر لعاب

سه قطعه سفال از نوع سفالینه‌های «چندرنگ زیرلعاب» در کاوش‌های فصل اول و دوم به دست آمد. بدنه این ظروف از خمیره سنگی و به صورت متخلخل ساخته شده و پخت آن ناکافی بوده، به نحوی که در اثر آن خمیره سفال به رنگ قرمز درآمد است. طرح‌ها با رنگ‌های سیاه، آبی و سبز، و گاهی لکه‌هایی فیروزه‌ای زیر لعاب شفاف نقاشی شده است. نقش مهم بر روی این گونه سفالینه نقش گوزن؟ است که در میان علف‌های آبی به صورت مسبک تصویر شده است (جدول ۱). سفالینه‌های مذکور از لحاظ نوع ساخت از کیفیت نازلی برخوردارند و در دوره ایلخانی نسبت به انواع دیگر کمتر رایج بوده‌اند. از شاخصه‌های مهم این نوع سفال‌ها این است که نقش‌مایه‌های به کاررفته در آنها شامل حیوانات در حال جست‌وخیز و یا پرندگان و حیوانات ایستاده در میان نقش‌مایه‌های گیاهی بوده و به صورت مسبک و ابتدایی در یک قاب مدور در کف ظرف ترسیم شده است. تعدادی سفال مشابه سفال‌های ارزانفود با اندکی تفاوت از مناطق مختلف به دست آمده که از آنجمله می‌توان به نمونه‌های موجود در مجموعه ادوارد جکسن، موزه متروپولیتن، موزه ویکتوریا و آلبرت و گالری فریر اشاره نمود (جدول ۲).


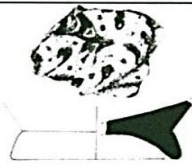
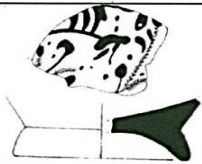

مکان ساخت این نوع سفالینه به درستی مشخص نیست، با این حال، نمونه‌های به دست آمده از آن را به مناطقی همچون ری، سلطانیه، ساوه و سلطان‌آباد نسبت داده‌اند (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۸۸). لین اعتقاد دارد که این

سفال‌ها تحت‌تأثیر سبک گرگان ساخته شده‌اند (Grube, 1991). از سوی دیگر، برخی آن را شبیه به کارهای متأخر کاشان می‌دانند (Atil, 1973: 159). با توجه به شیوه ترسیم تصاویر به ویژه در مورد حیوانات منقوش که در نمونه‌های موجود کمی تفاوت دیده می‌شود، به احتمال قوی، این گونه سفالینه در چند مرکز دیگر از جمله همدان که نمونه‌هایی از آن در این مکان یافت شده، ساخته شده‌اند.

۹. تاریخ‌گذاری

هال و آتیل، سفالینه‌های چندرنگ زیرلعاب را متعلق به اواخر قرن ۷ هـ.ق، دانسته و دیمانند نیز آنها را متعلق به نیمه دوم قرن ۱۳ م / ۷ هـ.ق می‌داند (Hall, 1934: 66; Atil, 1973: 59; دیمانند، ۱۳۶۵: تصویر ۱۲۸). از سوی دیگر، با توجه به آن‌که آرتور پوپ نمونه تاریخ‌داری از این گونه سفالینه‌ها را (۶۷۲ هـ.ق) معرفی می‌کند، بنابراین، ساخت این نوع سفالینه در نیمه دوم قرن هفتم هجری رایج بوده و تاریخی که دیمانند بیان نموده است، یعنی نیمه دوم قرن ۷ هـ.ق، صحیح‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین نمونه‌های به‌دست‌آمده از ارزانفود را می‌توان مربوط به همین تاریخ دانست.

جدول ۱. تصویر و طرح سفالینه‌های چندرنگ زیر لعاب به‌دست‌آمده از ارزانفود

ردیف	۱	۲	۳
عکس سفال			
طرح‌ها			
تاریخ	نیمه دوم قرن ۷ هـ.ق	نیمه دوم قرن ۷ هـ.ق	نیمه دوم قرن ۷ هـ.ق

جدول ۲. نمونه سفال‌های با تکنیک چندرنگ زیر لعاب به‌دست‌آمده از مناطق گوناگون

			
کاسه سفالی مجموعه ادوارد جکسن (Hall, 1934: 65)	کاسه موجود در موزه ویکتوریا (Ettinghausen, 1935: 51)	سفالینه موجود در گالری فریر (Atil, 1973, pl 72)	کاسه موجود در موزه متروپولیتن (دیمانند، ۱۳۶۵، تصویر ۱۲۸)

۱۰. فیروزه قلم مشکی

تعداد قابل توجهی از داده‌های حاصل از کاوش‌های ارزانفود را سفالینه‌های معروف به فیروزه قلم مشکی تشکیل می‌دهند (جدول ۳). بدنه این سفال‌ها از خمیره سنگی ساخته شده و دارای بافت نیمه‌خشن و متخلخل است. نقوش به رنگ سیاه مستقیم بر روی بدنه ظروف ترسیم شده، ولی در یکی از نمونه‌ها علاوه بر رنگ سیاه از رنگ سبز نیز در تزیین لبه استفاده شده است (جدول ۳، شماره ۲). پس از آن سفال را با لعاب شفاف غالباً به رنگ فیروزه‌ای و گاهی آبی پوشانده‌اند. در برخی از نمونه‌ها هر دو لعاب آبی و فیروزه‌ای به صورت هم‌زمان بر روی یک ظرف استفاده شده است (جدول ۳، شماره ۱ و ۲).





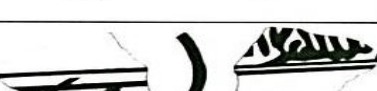






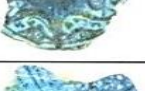
۱-۱۰. **شکل بدنه:** تمامی سفال‌های به‌دست‌آمده از این گروه کاسه و پیاله بوده که فرم غالب آنها شامل کاسه‌هایی با بدنه زاویه‌دار، لبه‌های پهن برگشته به سمت داخل و خارج (T شکل) است.

۲-۱۰. **مقایسه شکل‌ها:** شکل کاسه‌های به‌دست‌آمده از این گونه، از لحاظ ظاهری با نمونه‌هایی که از مراکز تولید سفال دوره ایلخانی مانند کاشان، بجنورد، سلطان‌آباد، سلطانیه و... به دست آمده، به‌ویژه سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد، قابل‌مقایسه است، با اینکه اندکی تفاوت در شکل لبه آنها دیده می‌شود.

جدول ۳. سفال‌های فیروزه قلم مشکی به‌دست‌آمده از ارزانفود

ردیف	عکس سفالها	طرح‌ها	تاریخ
1			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
2			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
3			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
4			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
5			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
6			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
7			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری
8			نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری

ادامه جدول ۳: سفال‌های فیروزه قلم مشکی به‌دست‌آمده از رزانفود

نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			9
نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			10
نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			11
نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			12
نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			13
نیمه دوم قرن ۷-۸ هجری			14

۱۱. مطالعه نقوش

نقوش موجود بر روی سفالینه‌های فیروزه قلم مشکی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف. نقوش روی لبه طرف، ب. نقوش روی بدنه

۱۱-۱. نقوش روی لبه طرف: روی تمامی لبه‌های گونه فیروزه قلم مشکی به‌دست‌آمده از ارزانفود منقوش است. نقاشی بر روی لبه یکی از شاخصه‌های سفال ایلخانی است، به طوری که بیشتر سفال‌هایی که دارای این نوع لبه بوده و با تکنیک‌های گوناگون ساخته شده‌اند، همچون سفالینه‌های سلطان‌آباد، زرین‌فام و فیروزه قلم مشکی، با نقوش گوناگون و متنوعی تزئین شده‌اند.

نقوش روی لبه‌ها به صورت نقش‌مایه‌های تکرار شونده است که معمولاً بین دو حاشیه پهن موازی قرار گرفته‌اند و آنها را می‌توان به چهار دسته متمایز شامل: نقوش مارپیچ (جدول ۳، شماره ۳ و ۴)، ماهی (جدول ۳، شماره ۱ و ۲)، دو نوار پهن موازی (جدول ۳، شماره ۵ و ۶) و نقوش مبهم (جدول ۳، شماره ۷ و ۸) تقسیم‌بندی نمود. این نقش‌مایه‌ها قابل‌مقایسه با سفالینه‌های زرین‌فام کاشان، سلطان‌آباد و یک نمونه هم‌قابل‌مقایسه با فیروزه قلم مشکی‌های ساخت سوریه می‌باشد. از برخی نقش‌مایه‌ها نمونه مشابه به‌دست‌آمده است (جدول ۳، شماره ۷ و ۸).

۱۱-۲. نقوش روی بدنه: نقش‌مایه‌های روی بدنه شامل نقوش حلزونی، انواع نقوش مسبک گیاهی، خطوط متقاطع و موازی، نقوش هندسی، طوماری، شبه کتیبه و نقش‌های مسبک نامشخص است. غالب این نقوش مشابه نمونه‌های به‌دست‌آمده از مناطق گوناگون ایران مانند ری، کاشان، سلطان‌آباد، تخت‌سلیمان، ساوه،

بجنورد، نطنز و نیز سوریه می‌باشند. به منظور بررسی دقیق‌تر، نقش‌مایه‌های موجود تفکیک و در یک جدول با مناطق گوناگون مقایسه شده است (جدول ۴). نکته قابل توجه آنکه گرچه از لحاظ نوع نقش‌مایه‌ها شباهت‌های بسیار زیادی بین ارزانفود با مناطق فوق‌الذکر وجود دارد، از لحاظ سبک و شیوه ترسیم نقوش (ترکیب‌بندی)، بین نمونه‌های به‌دست‌آمده از این مکان با موارد مشابه در مناطق دیگر تفاوت‌های آشکاری مشاهده می‌شود. به طور کلی، فیروزه قلم مشکی‌های به‌دست‌آمده از محوطه ارزانفود را بر اساس سبک تزیین، می‌توان به چهارگروه تقسیم‌بندی نمود:

۱۱-۳ سبک اول: سبک اول از لحاظ نوع و ترکیب‌بندی نقوش کاملاً مشابه با کاشی‌ها و ظروف زرین‌فام به‌دست‌آمده از مناطق گوناگون ایران است (جدول ۳، شماره ۱۳) و به نظر می‌رسد هدف تقلید از نقوش این نوع سفالینه‌ها بوده است (تصویر ۱).



تصویر ۱: بخشی از کاشی زرین‌فام ساخت کاشان قرن ۸ هـ ق (Pope, 1977, Pl 774 B)

۱۱-۴ سبک دوم: در این سبک که در کف برخی از کاسه‌ها اجرا شده است، داخل ظرف به صورت نامنظم با دو خط موازی به پنج قسمت تقسیم شده و فاصله بین آنها با نقوش ریز مسبک رایج دوره ایلخانی که بیشتر بر روی ظروف زرین‌فام و لاجوردی دیده می‌شود، نقش شده است. نکته قابل توجه آنکه اگرچه تقسیم داخل ظرف به (۴، ۶، ۸ و ۱۲) قسمت در دوره ایلخانی رایج بوده (توحیدی، ۱۳۷۹: ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۵۲)، در نمونه حاضر، برخلاف تقسیم‌بندی‌های رایج این دوره، داخل ظرف به صورت نامنظم به پنج قسمت تقسیم‌بندی شده که در نوع خود جدید است (جدول ۳، شماره ۱۴).

۱۱-۵ سبک سوم: این گروه شامل کاسه‌هایی است که در قسمت زیر لبه دارای کتیبه یا شبه‌کتیبه می‌باشند. نمونه‌های مشابهی از این سبک ولی با کمی تفاوت در مناطقی از ایران مشاهده شده است (جدول ۳، شماره ۳-۱۲).

۱۱-۶ سبک چهارم: این گروه شامل کاسه‌هایی است که در زیر لبه‌های آن نقوش حلزونی و نقش‌های ریز مسبک رایج در دوره ایلخانی ترسیم شده است. لازم به ذکر است که فقط بر روی لبه این گروه ردیف ماهی‌های پشت‌سر هم دیده می‌شود (جدول ۳، شماره ۱ و ۲).

۱۱-۷ مراکز ساخت فیروزه قلم مشکی

مراکز تولید متعددی برای ساخت این گونه سفالینه ذکر شده است. به باور رایس (رایس، ۱۳۷۵: ۷۶) مرکز عمده ساخت این نوع سفال کاشان بوده، ولی در شهرهای سلطان‌آباد، ساوه و سلطانیه هم تولید می‌شده است. پوپ

نیز کاشان و ری را به عنوان دو مرکز عمده ذکر کرده است. ولی به این موضوع اشاره دارد که علاوه بر آن، فیروزه قلم مشکی در ساوه، سلطان‌آباد و به احتمال زیاد در مراکز کم‌اهمیت دیگری نیز تولید می‌شده است (Pope, 1977: 1840, 1845). از جرجان، نیشابور، سمرقند، آمل و ساری نیز به عنوان مراکز تولید این سفال نام برده شده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹: ۴۶۹). علاوه بر ایران، بین‌النهرین به خصوص رقه نیز از مراکز مهم تولید فیروزه قلم مشکی بوده است (Hall, 1934:65).

درباره مکان ساخت سفالینه‌های فیروزه قلم مشکی به‌دست‌آمده از ارزانفود، به نظر می‌رسد از آنجایی که تفاوت‌های زیادی از لحاظ سبکی و نیز برخی از نقوش بین سفالینه‌های موردنظر با مناطق شناخته شده دیگر همچون کاشان، ری، گرگان و... وجود دارد، به احتمال بسیار زیاد این سفالینه‌ها در همدان تولید می‌شده‌اند.

۱۲. تاریخ‌گذاری

آغاز ساخت سفالینه‌های موسوم به فیروزه قلم مشکی به قرن ششم باز می‌گردد (آلن ۱۳۸۷: ۳۷؛ رایس، ۱۳۷۵: ۷۶؛ پوپ ۱۳۸۷: ۱۸۴۵)، ولی تولید این گونه سفالینه در دوره ایلخانی کاملاً رایج می‌شود. نمونه نقش‌مایه‌های به‌دست‌آمده بر روی سفال‌های فیروزه قلم مشکی ارزانفود، غالباً مربوط به قرون ۷ و ۸ هجری بوده، که مشابه آنها از مناطق گوناگون به‌دست آمده است (جدول ۱). از سوی دیگر، با توجه به اینکه بیشتر فرم ظروف به‌دست آمده از نوع فیروزه قلم مشکی را کاسه‌های با بدنه زاویه‌دار و لبه T شکل تشکیل می‌دهند، و این فرم‌ها در نیمه دوم قرن ۷ و ۸ هـ ق رایج بوده است (خلیلی، ۱۳۸۴: ۲-۱۶۱)، بنابراین سفالینه‌های فیروزه قلم مشکی به‌دست‌آمده از ارزانفود را می‌توان در نیمه دوم قرن ۷ و ۸ هـ ق/۱۳ و ۱۴ م. تاریخ‌گذاری نمود.

۱۳. سفالینه‌های تک‌رنگ ساده

در بررسی و کاوش محوطه ارزانفود تعدادی سفالینه لعاب‌دار ساده به رنگ فیروزه‌ای به‌دست آمد. خمیره آنها قرمز رنگ بوده و از خاک رس معمولی ساخته شده است (جدول ۵، شماره ۱-۳). شکل بیشتر این سفالینه‌ها، کاسه‌هایی با بدنه زاویه‌دار و لبه‌های T شکل است. مانند نمونه‌های قبلی این نوع فرم از شاخصه‌های سفال‌های دوره ایلخانی می‌باشد. لازم به یادآوری است که ساخت این شکل ظروف از اواخر قرن ۱۲ شروع شده ولی رواج گسترده آن در دوره ایلخانی، نیمه دوم قرن ۱۳ و ۱۴ م. بوده (همان: ۱۶۱-۱۶۲) که نمونه‌های فراوانی از آن در مناطق گوناگون مانند سلطان‌آباد، کاشان، سلطانیه، همدان، بجنورد و... به ویژه ناحیه سلطان‌آباد به‌دست آمده است. از لحاظ شکل لبه و کاسه نمونه‌های به‌دست آمده از ارزانفود، شباهت فراوانی به نمونه‌های به دست آمده از مناطق ذکر شده دارد ولی در عین حال، تفاوت‌های اندکی بین آنها دیده می‌شود که حاکی از مراکز متفاوت تولید آنهاست (جدول ۵، شماره ۴-۵).

جدول ۴. مقایسه نقش‌مایه‌های سفال‌های فیروزه قلم مشکلی به دست آمده از ارزانفود با مناطق دیگر

ردیف	نقوش به دست آمده از ارزانفود	موارد قابل مقایسه		
		نقوش مشابه	مکان	تاریخ
1			ایران-فیروزه قلم مشکلی	قرن 8 هجری (Fehervari, 1973, p.289)
2			ایران - زرین فام	688 م.ق. (Pope, 1977, pl 717 B)
3			ایران - فیروزه قلم مشکلی	قرن 8 م.ق. (Tabbaa, 1987, P107)
4			نخت سلیمان - زرین فام	قرن 7 م.ق. (فوجانی، 1371، تصویر 68)
5			کاشان-زرین فام	قرن 8 م.ق. (کریمی و دیگران، 64، 1364)
6			سلطان آباد - زرین فام	قرن 8 م.ق. (Pope, 1977, p.1,774 B)
7			کاشان یا گرگان فیروزه قلم مشکلی	اواخر قرن 7 - اوایل قرن 8 (Fehervari, 1973, NC 290)
8			ساوه - فیروزه قلم مشکلی	قرن 7 م.ق. (کریمی و کبانی، 1364، ص 193)
9			سلطان آباد - لاجوردینه	قرن 8 م.ق. (Pope, 1977, pl 775)
10			سلطان آباد - لاجوردینه	قرن 8 م.ق. (Pope, 1977, pl 775)
11			سلطان آباد - لاجوردینه	قرن 8 م.ق. (Pope, 1977, pl 668)
12		-	-	-
14			نیشابور ۴-میانی	قرن 7 م.ق. (Pope, 1977, pl.678 A)
15			کاشان - فیروزه قلم مشکلی	قرن 7 م.ق. (Pope, 1977, pl 735 A)

ادامه جدول ۴. مقایسه نقش‌مایه‌های سفال‌های فیروزه قلم مشکلی به دست آمده از ارزانفود با مناطق دیگر

(Fehervari, 1973, No290)	اواخر قرن 7 - اوایل قرن 8	کاشان یا گرگان فیروزه قلم مشکلی		
(کریمی و کبانی، 1364، ص 193)	قرن 7 م.ق.	ساوه - فیروزه قلم مشکلی		
(Pope, 1977, pl 775)	قرن 8 م.ق.	سلطان آباد - لاجوردینه		
(Pope, 1977, pl 775)	قرن 8 م.ق.	سلطان آباد - لاجوردینه		
(Pope, 1977, pl 668)	قرن 8 م.ق.	سلطان آباد - لاجوردینه		
-	-	-	-	نمونه مشابه به دست نیامد
(Pope, 1977, pl.678 A)	قرن 7 م.ق.	نیشابور ۴-میانی		
(Pope, 1977, pl 735 A)	قرن 7 م.ق.	کاشان - فیروزه قلم مشکلی		


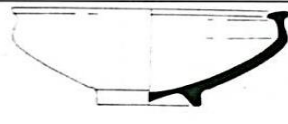




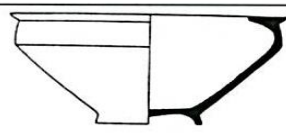
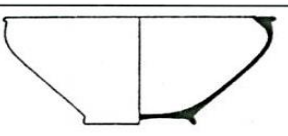
۱۴. کاسه‌های ساده با تزیینات کتیبه‌ای به صورت برجسته

تعدادی ظرف از این گروه به دست آمد که جنس آنها از خمیره سنگی، و کمی متخلخل می‌باشد. در زیر لبه آنها کتیبه یا شبه‌کتیبه‌هایی به صورت برجسته نقش شده است (جدول ۶). در نگاه اول این نقوش به صورت قالبی برجسته به نظر می‌آیند. ولی با بررسی‌های دقیقی که بر روی آنها صورت گرفت مشخص شد که کتیبه با استفاده از اسلیپ به صورت برجسته به سبک گونه دوم سفال‌های سلطان‌آباد بر روی بدنه ترسیم شده است. سپس کل ظرف را با یک لعاب فیروزه‌ای شفاف پوشانده‌اند. نمونه مشابهی از این سفال از مناطق دیگر به دست آمده که از آنجمله می‌توان به نمونه‌های بیستون اشاره نمود (لوشای- شمایسر، ۱۳۸۵: ۲۷۵، تصویر ۳۵).




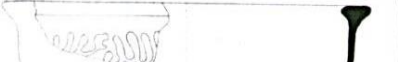





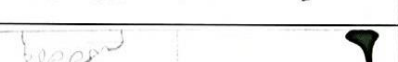
۱۵. تاریخ‌گذاری

لوشای نمونه‌های به دست آمده از بیستون را متعلق به اواخر قرن ۷ و قرن ۸ هـ ق می‌داند (لوشای، همان: ۲۷۵، تصویر ۳۵). از سوی دیگر، این فرم کاسه‌ها و نوع لبه T شکل مربوط به نیمه دوم قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هـ ق می‌باشد. شیوه تزیین به صورت برجسته به سبک سلطان‌آباد نیز این موضوع را تأیید می‌نماید. بنابراین با توجه به نوع لبه، شکل ظرف و نیز شیوه تزیین، به احتمال بسیار زیاد، این نوع سفالینه‌ها را می‌توان متعلق به نیمه دوم قرن ۷ هـ ق و اوایل قرن ۸ هـ ق دانست.

جدول ۵. سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ ساده به دست آمده از ارزانفود

ردیف	عکس سفالها	طرح‌ها	تاریخ
1			نیمه دوم قرن 7-8 هجری
2			نیمه دوم قرن 7-8 هجری
3			نیمه دوم قرن 7-8 هجری
موارد قابل مقایسه			
قرن 8 هجری			

جدول ۶. سفال‌های لعاب‌دار تک‌رنگ با کتیبه برجسته به‌دست آمده از ارزانفود

ردیف	تصاویر سفالها	طرح‌ها	تاریخ
1			نیمه دوم قرن 7- قرن 8 هجری
2			نیمه دوم قرن 7- قرن 8 هجری
3			نیمه دوم قرن 7- قرن 8 هجری
4			نیمه دوم قرن 7- قرن 8 هجری
5			نیمه دوم قرن 7- قرن 8 هجری

۱۶. سفال‌های سبک سلطان‌آباد

از دیگر یافته‌های سفالی ارزانفود، چند قطعه سفال معروف به «سبک سلطان‌آباد» است (جدول ۷ و ۸). سفالینه‌های موسوم به «سلطان‌آباد» نخستین‌بار در اطراف شهر سلطان‌آباد (اراک امروزی) کشف شده و با وجود مطالعاتی که بر روی آنها صورت گرفته است، هنوز مرکز ساخت آنها به درستی مشخص نیست. لین، تقسیم‌بندی دقیقی از لحاظ تکنیکی بر روی سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد انجام داده که مورد پذیرش اکثر پژوهشگران نیز قرار گرفته است. وی «سفال‌های سلطان‌آباد» را از لحاظ تکنیکی و نوع رنگ‌های به کار رفته در تزیین، به سه گروه عمده تقسیم‌بندی می‌کند:

گروه اول: شامل ظروفی که بدنه آنها از خمیره سنگی ساخته شده است. نقوش مستقیماً بر روی بدنه ترسیم و با رنگ سیاه مایل به سبز قلم‌گیری شده‌اند. پس‌زمینه‌ها نیز با رنگ سیاه به صورت هاشور پر شده و علاوه بر رنگ سیاه از رنگ‌های آبی و نیز گاهی فیروزه‌ای برای تزیین استفاده شده است.

گروه دوم: مانند گروه اول شامل سفال‌های خشن و بدنه سفید (خمیره سنگی) است که با یک اسلیپ خاکستری مایل به قهوه‌ای یا سبز پوشانده شده است. طرح‌ها با اسلیپ سفید به صورت برجسته بر روی آن ترسیم و با رنگ سیاه قلم‌گیری شده‌اند. فضای بین نقوش نیز با خطوط سیاه به صورت هاشور یا نقطه تزیین شده است. گاهی اوقات رنگ آبی تیره به صورت لکه به کار برده شده است، ولی رنگ فیروزه‌ای در این گروه دیده نمی‌شود.

گروه سوم: این سفال‌ها ظریف‌تر و مترکم‌تر از دو گونه قبلی بوده و از لحاظ شکل و تزیینات شبیه به سفال‌های متأخر زرین‌فام کاشان است. بدنه این گروه از خمیره سنگی است و نقوش روی آن با رنگ‌های سیاه، آبی و گاهی فیروزه‌ای زیر لعاب شفاف ترسیم شده است (Lane, 1971:10-15). اما درباره سفال‌های سبک سلطان‌آباد که از این محوطه به‌دست آمده است باید گفت که در برخی موارد، نمونه‌ها از لحاظ تکنیکی

مشابه سفال‌های ناحیه سلطان‌آباد است؛ بنابراین، با تقسیم‌بندی لین هم‌خوانی کاملی دارد، ولی در بیشتر نمونه‌ها هرچند به لحاظ ظاهری شباهت‌هایی وجود دارد، تفاوت‌هایی بین نمونه‌های ارزانفود و نظرات لین مشاهده شده است که در گروه‌بندی وی قرار نمی‌گیرند. به طور کلی، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد را که از کاوش‌های ارزانفود به دست آمده است، به لحاظ تکنیک و شیوه‌تزیین می‌توان به شش گروه تقسیم کرد:

گروه اول: بدنه خمیره سنگی و کمی متخلخل که با گلابه‌ای به رنگ‌های خاکستری مایل به سبز پوشانده شده است. نقوش با گلابه سفید به صورت برجسته ترسیم و با رنگ سیاه قلم‌گیری شده‌اند. این گروه کاملاً مشابه گونه دوم تقسیم‌بندی لین است (جدول ۷، شماره ۱ و ۷؛ جدول ۸، شماره ۲).

گروه دوم: این گونه سفالینه‌ها از لحاظ تکنیکی مشابه گروه دوم تقسیم‌بندی لین است، ولی دو تفاوت با آنها دارد: نخست، برخلاف سلطان‌آباد که از رنگ سیاه برای قلم‌گیری و تزیین سفالینه‌ها استفاده شده، در نمونه‌های به‌دست‌آمده از ارزانفود، از رنگ سبز به‌جای سیاه استفاده شده است. البته در گونه اول لین به استفاده از رنگ سیاه مایل به سبز اشاره شده، در حالی که در نمونه‌های ارزانفود از رنگ سبز استفاده شده است. تفاوت دوم در این است که در تقسیم‌بندی لین، رنگ فیروزه‌ای حذف شده است، ولی در یکی از نمونه‌های به‌دست‌آمده از ارزانفود برخی برگ‌ها با رنگ فیروزه‌ای تزیین شده‌اند. بنابراین نمونه‌های موردنظر متفاوت از تقسیم‌بندی لین بوده و در نوع خود جدید است (جدول ۷، شماره ۶؛ جدول ۸، شماره ۳).

گروه سوم: از لحاظ تکنیکی تشابه زیادی با تقسیم‌بندی اول لین دارد، به این صورت که گلابه حذف شده و نقوش مستقیماً بر روی بدنه ترسیم شده است، ولی دو تفاوت با گروه دوم لین دارد؛ نخست، از رنگ قهوه‌ای به جای سیاه استفاده شده است؛ و دوم، در تقسیم‌بندی لین نقوش با رنگ سیاه قلم‌گیری شده و پس‌زمینه‌ها با هاشور و نقطه پر شده است، ولی در نمونه به‌دست‌آمده از ارزانفود، فاصله بین نقوش کاملاً با رنگ قهوه‌ای پر شده است، به صورتی که نقوش اصلی به صورت کنده دیده می‌شوند. این گونه نیز متفاوت از نمونه‌های لین بوده و جدید است (جدول ۷، شماره ۵).

گروه چهارم: از لحاظ تکنیکی کاملاً مشابه با گروه اول و سوم لین است که با دو رنگ آبی کبالت و سیاه بر روی بدنه، زیر لعاب شفاف، تزیین شده است. با توجه به آنکه قسمت پایینی ظرف به دست نیامده نمی‌توان به طور دقیق مشخص نمود که متعلق به کدام گروه است. از سوی دیگر، تزیینات مشابه با نمونه‌های به دست آمده از ارزانفود (شبه‌کتیبه‌هایی در زیر لبه در قسمت‌های داخل و بیرون ظرف) بر روی کاسه‌ای در موزه دوسلدروف نیز مشاهده می‌شود که با توجه به تزیینات داخل ظرف می‌توان آن را در گروه سوم لین جای داد (جدول ۸، شماره ۱، تصویر سمت چپ). بنابراین نمونه‌های موردنظر را به احتمال بسیار زیاد می‌توان مربوط به گروه سوم لین دانست (جدول ۷، شماره ۲-۴).

گروه پنجم: این گونه سفالینه‌ها از لحاظ شیوه‌تزیین، مشابه سبک سوم تقسیم‌بندی لین است، به این صورت که داخل ظرف به صورت شعاعی به چند بخش تقسیم‌بندی شده است، ولی دو تفاوت بین آنها دیده می‌شود؛ نخست، در سبک سوم لین، بدنه خمیره سنگی و ظریف بوده در صورتی که در نمونه موردنظر بدنه از خاک رس معمولی ساخته شده و به رنگ نخودی است. دوم، در نمونه به‌دست‌آمده از ارزانفود از گلابه سفید استفاده شده، اما در گونه سوم لین نقوش مستقیماً بر روی بدنه ترسیم شده است. فهروراری نمونه مشابهی با بدنه نخودی و قرمز در کاوش‌های غبیرا به‌دست آورده که آن را به عنوان گونه دومی از تقسیم‌بندی سوم لین

در نظر گرفته و اعتقاد وی بر این است که این گونه از سفالینه‌ها در کرمان یا سیرجان تولید می‌شده‌اند. ولی به صراحت به استفاده از گلابه یا عدم استفاده از آن اشاره‌ای ننموده است (Fehervari, 1975: 404) (جدول ۸، شماره ۱). بنابراین، نمونه مورد نظر را بر اساس تقسیم‌بندی فیهرواری، می‌توان به عنوان گونه دوم از سبک سوم لین محسوب نمود و در صورتی که نمونه‌های به‌دست آمده از غیرا فاقد گلابه باشند، می‌توان آنها را گونه سوم از تقسیم‌بندی لین دانست.

گروه ششم: هرچند که این گروه از سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد، مشابه گونه دوم تقسیم‌بندی لین است، ولی تفاوت‌های اندکی با آنها دارد؛ بدنه ظرف از خمیره سنگی و با گلابه سفید پوشیده شده است. برخلاف گونه دوم لین که نقوش با گلابه به صورت برجسته ایجاد شده است، در نمونه موردنظر نقوش برجسته نیستند، ولی از رنگ‌های آبی و سیاه زیر لعاب شفاف استفاده شده است. تفاوت دیگر، در شیوه ترسیم نقوش است به این صورت که نقش‌مایه‌ها را به گونه‌ای طراحی و اجرا نموده‌اند که پس‌زمینه کمی باقی بماند و در ضمن نوع نقش‌مایه‌ها نیز متفاوت از سفالینه سبک سلطان‌آباد است (جدول ۷، شماره ۸).

۱۷. نقوش

بر روی ظروف نقوش حیوانی (شامل خرگوش و پرندگان (سیمرغ))، گیاهی (برگ‌های صد تومانی، گل لوتوس، نقوش قلبی شکل و نقوش نامشخص) و کتیبه یا شبه‌کتیبه ایجاد شده است (جدول ۷، شماره ۲-۴).


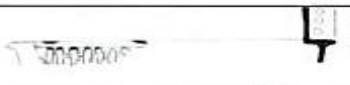







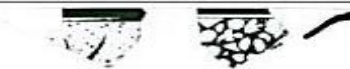






۱۸. نقش‌مایه‌ها و ترکیب‌بندی نقوش

در سفالینه‌های ارزانفود، از لحاظ نوع نقوش و ترکیب‌بندی دو سبک متفاوت دیده می‌شود. در سبک اول، بیشتر نقوش و ترکیب‌بندی آنها مشابه نمونه‌های به‌دست‌آمده از ناحیه سلطان‌آباد است، هرچند در برخی موارد تفاوت‌هایی جزئی دیده می‌شود (جدول ۷، شماره ۲-۵، جدول ۸، شماره ۱-۳، جدول ۹، شماره ۱-۴، ۶ و ۷، ۹-۱۱)، ولی در سبک دوم که چند نمونه از آن به‌دست آمده، نوع نقوش و نیز شیوه اجرای کار متفاوت از سفالینه‌های ناحیه سلطان‌آباد است (جدول ۷، شماره ۶-۸، جدول ۹، شماره ۵ و ۸).



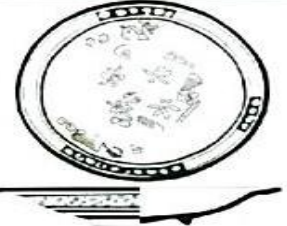



۱۸. مراکز ساخت

مکان ساخت دقیق این نوع سفال‌ها هنوز در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. بیشتر این سفال‌ها برای نخستین بار از چندین روستا در فاصله حدود ۴۰ تا ۶۰ کیلومتری سلطان‌آباد (اراک امروزی) به نام‌های اسدانه، سسوک، شاه‌آباد، برزآباد، زلف‌آباد، مجدآباد و فیوم به‌دست آمده است. به نظر پوپ، علاوه بر روستاهای ذکر شده امکان وجود مراکز کشف نشده دیگری نیز در حوالی سلطان‌آباد وجود دارد. علاوه بر سلطان‌آباد، این سفال از اطراف ری (خوار) نیز به دست آمده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۸۶۰). رایتلینگر، در این زمینه با پوپ هم‌رأی بوده و بر این عقیده است که این سفال‌ها در ناحیه سلطان‌آباد - و نه خود شهر - ساخته شده‌اند (Fehervari, 2000: 219). از دیگر پژوهشگرانی که مکان تولید این نوع سفال را سلطان‌آباد می‌دانند، می‌توان به شیلا بلر، هابسن و رایس اشاره نمود (Hobson, 1928: 93؛ بلر و بلوم، ۱۳۸۰: ۵۰؛ رایس، همان: ۱۳۷).

جدول ۷. نمونه سفالینه‌های ساخته شده به سبک سلطان آباد - ارزانفود

ردیف	تصویر سفالها	طرح ها	تاریخ
۱			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۲			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۳			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۴			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۵			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۶			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۷			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری
۸			نیمه دوم قرن ۷ ۸ قرن هجری

جدول ۸. نمونه سفالینه‌های ساخته شده به سبک سلطان آباد - ارزانفود.

ردیف	نمونه سفال های سبک سلطان آباد - ارزانفود	موارد مشابه	تاریخ
۱		 (klien and other, 1973, 144, no. 200)	۸ قرن هجری
۲		 سلطان آباد قرن هشتم (کریمی و دیگران، ۱۳۶۰، ۲۰۷)	۸ قرن هجری
۳		 سلطان آباد ، اواخر قرن ۷ اوایل قرن ۸ هجری (Fehervari, 2000, pl 284)	۸ قرن هجری

برخی نیز دو مرکز سلطان‌آباد و کاشان را مکان تولید این سفال ذکر نموده‌اند (دیماند، ۱۳۶۵: ۱۸۹). فهروری، گونه‌ای از این سفال‌ها را از غبیرا به‌دست آورده که مرکز ساخت آنها را کرمان یا سیرجان دانسته است (Fehervari, ibid: 222).

در خارج از ایران در «سرای برکه خان» و «سرای باتو» در جنوب روسیه نیز نمونه‌هایی همراه با کوره‌های ساخت آن به‌دست آمده که از لحاظ تکنیک مشابه سفالینه‌های سلطان‌آباد بوده ولی از لحاظ فرم و تزیینات متفاوت است (Fehervari, 1973: 123). علاوه بر آن از سوریه و مصر نیز به عنوان مراکز تولید نمونه‌های مشابه با سلطان‌آباد یاد شده است (Morgan, 2004). در خصوص نمونه‌های به‌دست‌آمده از سوریه، برخی اعتقاد دارند که منشأ گونه‌ای از سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد سوریه بوده است (فهروری، ۱۳۸۸: ۵۸)، ولی پژوهش‌های اخیر و نتایج تجزیه نمونه‌ها این فرضیه را رد کرده است (Jenkins, 1984: 119).

جدول ۹. نقش‌مایه‌های به‌دست آمده از سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد ارزانفود در مقایسه تطبیقی با نواحی دیگر

ردیف	نقش مایه‌های سفال های سبک سلطان‌آباد- ارزانفود	موارد قابل مقایسه		
		نمونه‌های مشابه	مکان و نوع سفال	تاریخ
1			سلطان‌آباد	قرن 8 هـ.ق (کریمی و کیانی، 1364، 210)
2			سلطان‌آباد	قرن 8 هـ.ق (کریمی و کیانی، 1364، 14)
3			سلطان‌آباد	قرن 8 هـ.ق (Pope, 1977, pl 780)
4			کاشان- زرین قام	قرن 8 هـ.ق (پورتر، 1389، ص 145)
5		نمونه مشابه به دست نیامد	-	-
6			سلطان‌آباد	قرن 8 هـ.ق (کریمی و کیانی، 1364، ص 206، 204)
7			ایران-فیروزه قلم مشکی	قرن 8 هـ.ق (خلیلی، 1384، ص 184)
8		بدون نمونه	-	-
9			سلطانیه-فیروزه قلم مشکی	قرن 8 هـ.ق (توحیدی و دیگران، 1365 ص 50)
10			سلطان‌آباد	قرن 8 هـ.ق (آلن، 1383، ص 49)
11			کاشی زرین قام - کاشان	قرن 7 و 8 هـ.ق (Pope, ibid, pl727, 725)

با توضیحات ذکر شده به نظر می‌رسد که این نوع از سفالینه‌ها در چند مرکز مختلف تولید شده و مختص سلطان‌آباد نیست. درباره نمونه‌های به‌دست آمده از ارزانفود، با وجود مشابهت برخی نمونه‌ها با سبک سلطان‌آباد، تفاوت‌هایی از لحاظ تکنیک و نوع نقوش دیده می‌شود که با توجه به آن، به احتمال بسیار زیاد

سفال‌های مذکور در همدان تولید شده‌اند. درباره تاریخ ساخت این گونه سفالینه با توجه به نمونه‌های تاریخ‌دار موجود در موزه متروپولیتن که یکی از آنها تاریخ ۶۷۲ هـ.ق و دیگری ۶۷۷ هـ.ق را نشان می‌دهد، می‌توان آغاز تولید آن را نیمه دوم قرن ۱۳ م. / ۷ هـ.ق در نظر گرفت، که در قرن هشتم کاملاً رایج می‌شوند (122): (Fehervari, 1973). بنابراین نمونه‌های به‌دست‌آمده از ارزانفود را می‌توان در نیمه دوم قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هـ.ق تاریخ‌گذاری نمود.

۱۹. نتیجه

در مقاله حاضر، سفال‌های لعاب‌دار اسلامی، فیروزه قلم مشکی، چندرنگ زیر لعاب، سلطان‌آباد، لعاب‌دار تک‌رنگ ساده و سفال لعاب‌دار تک‌رنگ با نقوش برجسته حاصل از سه فصل کاوش در ارزانفود مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار گرفت. با توجه به شواهد و نیز پژوهش‌های تطبیقی صورت‌گرفته با نواحی دیگر مانند کاشان، سلطانیه، گرگان، سلطان‌آباد، تخت‌سلیمان و... می‌توان سفال‌های مذکور را به دوره ایلخانی (نیمه دوم قرن ۷ و اوایل قرن ۸ هـ.) نسبت داد. از نکات ارزشمند و جالب‌توجه این پژوهش، کشف سه گونه جدید سفال متعلق به دوره ایلخانی است، که آنها را اضافه بر تقسیم‌بندی‌های سه‌گانه لین، می‌توان در رده سفالینه‌های سلطان‌آباد قرار داد.

درباره نوع نقش‌مایه‌های به‌کاررفته بر روی سفال‌های مختلف، شامل فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد و چندرنگ زیر لعاب، اگرچه شباهت‌های فراوانی بین این محوطه و مراکز دیگر سفالگری دوره ایلخانی مانند کاشان، تخت‌سلیمان و... وجود دارد، از لحاظ ترکیب‌بندی غالباً متفاوت بوده و از سبکی کاملاً متفاوت پیروی می‌نماید. از نکات قابل ذکر دیگر درباره سفال‌های فیروزه قلم مشکی، آن است که در بیشتر نمونه‌های به‌دست‌آمده، تزیینات و نقوشی دیده می‌شود که خاص سفالینه‌های زرین‌فام و لاجوردی مناطقی مانند کاشان، تخت‌سلیمان و سلطان‌آباد است و ظاهراً هدف، تقلید از این نوع سفال‌ها به خصوص سفالینه‌های زرین‌فام بوده است.

در خصوص مراکز ساخت سفال‌های مذکور، با توجه به مطالعات سبک‌شناسی صورت‌گرفته بر اساس فرم، نوع نقوش، ترکیب‌بندی و نیز شیوه اجرا بر روی سفال‌های به‌دست‌آمده از کاوش و با توجه به پرسش‌ها و فرضیات مطرح شده، می‌توان چنین نتیجه گرفت که سفالینه‌های مذکور بر اساس شواهد و مدارک عنوان شده در متن مقاله به احتمال بسیار زیاد در منطقه همدان تولید شده‌اند و هرچند که شواهدی از کوره‌های سفالگری در نزدیکی محوطه به‌دست نیامده است، این ناحیه را می‌توان به عنوان یکی دیگر از مراکز سفالگری در زمینه تولید سفال‌های فیروزه قلم مشکی، سفالینه‌های سبک سلطان‌آباد، چندرنگ زیر لعاب و لعاب‌دار تک‌رنگ ساده در دوره ایلخانی به‌شمار آورد، به نحوی که فرضیه‌های مطرح شده در مقاله مبنی بر بومی بودن سفالینه‌ها کاملاً مورد تأیید قرار می‌گیرند.

۲۰. منابع

- آن، ویلسن، ۱۳۸۳، *سفالگری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
بلر، شیللا، بلوم، جاناتان، ۱۳۸۰، *هنر و معماری اسلامی ۲*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.

- توحیدی، فائق، ۱۳۷۸، فن و هنر سفالگری، تهران، سمت.
- توحیدی، فائق، کبیری، احمد و مهریار، محمد، ۱۳۶۵، بررسی و پیگردی برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه، اثر، شماره ۱۴، ۱۳، ۱۲، سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران، ۲۰۹-۲۶۴.
- پوپ، آرتور آ، اکرم فیلیس، ۱۳۸۷، سیری در هنر ایران، ترجمه نجف دریابندری، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- پورتر، ونیتا، ۱۳۸۹، مجموعه آثار هنر اسلامی ۱. کاشی‌های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- خلیلی، ناصر، ۱۳۸۴، سفال اسلامی، نشر کارنگ، تهران.
- دیماند، س. م.، ۱۳۶۵، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رایس، تالوت، ۱۳۷۵، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- راجرز، ام. ام.، ۱۳۷۴، سفالگری، در هنرهای ایران، زیر نظر ر. دلبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، نشر فرزاد.
- فهروری، گزا، ۱۳۸۸، مجموعه آثار هنر اسلامی ۱۹، سفالگری جهان اسلام در موزه طارق رجب کویت، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- قوچانی، عبدالله، ۱۳۷۱، اشعار فارسی روی کاشی‌های تخت سلیمان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۹، سفال و سفالگری در ایران، تهران، ققنوس.
- کریمی، فاطمه، کیانی، محمدیوسف، ۱۳۶۴، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- لوشای - شمیسر، اینگه بورگ، ۱۳۸۵، سفال‌های کاروانسرای قدیمی، در بیستون، به کوشش ولفرام کلایس و پتر کالمیر، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور: ۲۰۷-۲۸۴.
- Atil, E. 1973. *freer gallery of Art Fifth Anniversary Exhibition III, ceramic from the world of Islam*, Wasingtin, Smthonian Institutation.
- Ettinghausen, R. 1935. Important pieces of Persian in London collection, *Art Islamica* 2, no.1 : 45-64.
- Ettinghausen, R. 1936a. New affiliation for a classical Persian pottery type, *Parnassus* 8, no 3: 10-12+20-21.
- Ettinghausen, R. 1936b. Evidence for identification of Kashan pottery, *Arts Islamica* 3:44-75.
- Fehervari, G. 1973. *Islamic pottery a comprehensive study based on the Barelow Collection* London, Faber and Faber .
- Fehervari, G. 1975. Selected small finds from Qobeira, in *Firouz Bagherzadeh (ed.), Proceeding of the IV th annual symposium on archaeological research in Iran*, Iranian centre for archaeology reaserch: 404-418.
- Fehervari, G. 2000. *Ceramics of the Islamic world*, London, I.B Tauris Publishers.
- Grube, E, J. 1991. Ceramics xiv, the Islamic period 11 th – 15th, in *Encyclopedia Iranica*, vol 5, fasc 3: 311-327.
- Hall, A. R., 1934. A new collection of Islamic Pottery, *Bulletin of the Museum of Fine Arts* 32 : 58-67.
- Hobson, R. L. 1928. Persian pottery bowl, *the British Museum Quarterly* 4, The British Museum: 92-94 .
- Jenkins, M. 1984. Mamluk under glaze painted pottery, *Muqarnas* 2: 95-114.
- Lane, A. 1971, *Later Islamic pottery*, (second edition), London, Faber and Faber .
- Morgan, P. 2004. *IL-Khanid IV Ceramics*, Encyclopedia Iranica.com.
- Pope, A.U. 1977. Ceramic art in Islamic times, A History, in *A survey of Persian Art*, vol IV, Tehran, Sroush.
- Pope, A.U. and Ackerman, P. 1977, *A survey of Persian art*, vol. IX, Tehran, Sroush.
- Tabbaa, Y. 1987, Bronze shape in Iranian ceramics of the twelfth and thirteenth centuries, *Muqarnas* 4: 98-113 .